

نقش محمد تقی شریعتی در مبارزه با الحاد

۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۶

فقید سعید، علامه مرحوم حجت الاسلام شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی، از معاشران دیرین مرحوم استاد محمدتقی شریعتی بود که ارتباط خود با ایشان را تا پایان حیات وی تداوم بخشید. و درباره نقش آن استاد با الحاد سخنان خواندنی برای تاریخ پژوهان دارد.

فقید سعید، علامه مفضل مرحوم حجت الاسلام والمسلمین شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی، از معاشران دیرین مرحوم استاد محمدتقی شریعتی بود که ارتباط خود با ایشان را تا پایان حیات وی تداوم بخشید. او درباره منش و کارنامه آن مرحوم، خاطرات و تحلیل‌هایی شنیدنی داشت.

گفت و شنود پیش روی، در بردارنده پاره ای از گفتنی‌های مرحوم عطاردی در این باره است.

* جناب عالی از چه دوره‌ای و چگونه با استاد محمدتقی شریعتی آشنا شدید؟ در آن مقطع ایشان چه شرایطی داشتند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. بنده در سال ۱۳۲۷ برای تحصیل در حوزه علمیه به مشهد رفتم و چون کنجکاو بودم که از مسائل روز آگاهی یابم، به کانون نشر حقایق اسلامی می‌رفتم و در آنجا بود که با مرحوم استاد محمدتقی شریعتی آشنا شدم. ایشان شبهای جمعه درس تفسیر قرآن داشتند. شبهای شنبه هم سخنرانی می‌کردند. این کانون ابتدا در دبیرستان شاهرضا تشکیل شد و استاد شریعتی که قبل از شهریور ۲۰ لباس روحانیت را در آورده بودند و به عنوان دبیر کار می‌کردند، در این دبیرستان تدریس می‌کردند.

* پس از شهریور ۲۰ اوضاع کشور آشفته و درگیر جریانات گوناگون بود. نقش ایشان را در آن برهه چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟

همین‌طور است. بعد از شهریور ۲۰ اوضاع کشور به کلی به هم ریخت و بیگانگان به کشور سرازیر شدند. حزب توده و جریانات دیگر زمینه مناسبی برای فعالیت پیدا و بخش اعظم قشر تحصیلکرده و کارگران را جذب کردند.

این حزب چون متکی به پول و حمایت شوروی هم بود، مقابله با آن عملاً ناممکن به نظر می‌رسید. در چنین شرایطی استاد شریعتی با کمک دوستانشان در مدرسه شاهرضا انجمن دینی و معارفی را راه‌اندازی و با ایراد سخنرانی و پخش نشریات تلاش کردند از نفوذ توده‌ایها در دبیرستان، کارخانه‌ها و مراکز فرهنگی جلوگیری کنند.

این اقدام سبب شد مردم متدین، از جمله بازاری‌ها و حوزه‌های علمیه به ایشان و دوستانشان کمک کنند تا بتوانند فعالیت‌های خود را بیشتر کنند. کم‌کم این انجمن اعتباری کسب کرد و عده‌ای از تجار تلاش کردند ساختمانی را مهیا کنند و کانون نشر حقایق تأسیس شد. بنده در این کانون با استاد آشنا شدم. ایشان هفته‌ای دو روز سخنرانی می‌کردند و در مناسبت‌های مذهبی هم جلساتی در کانون برگزار می‌شد.

*مکانت علمی ایشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ایشان چقدر به معارف دینی و نیز چقدر به معارف عمومی و عرفی تسلط داشتند؟

گمان نمی‌کنم ایشان زبان خارجی می‌دانست، اما به زبان عربی تسلط کامل داشت و آثار نویسندگان عرب، به خصوص مصر را مطالعه می‌کرد و از این طریق با آثار نویسندگان اروپایی آشنا بود. ایشان همیشه حرفهای تازه‌ای داشت. معلوم می‌شد آثار عربی را از طریق زبان عربی به درستی مطالعه می‌کند. بسیار خوب‌بیان، فاضل و با کمال بود و بر مسائل دینی احاطه کامل داشت. در حوزه درس خوانده بود و روی اصول و مبنا حرف می‌زد. با مصادر و منابع دینی آشنا بود و به دلیل تسلط بر این منابع، می‌توانست مطالب آنها را با زبانی همه فهم برای جوانان و اقشار مختلف جامعه بیان کند.

ایشان مزایای احکام اسلامی را به شیوه‌ای استدلالی بیان می‌کرد و از آیات، احادیث و اخبار به تناسب بحث استفاده‌های فراوان می‌برد. بیان استدلالی و شیوه‌های ایشان موجب شد حتی علمای درجه اول مشهد هم به کانون بیایند و از صحبت‌های ایشان استفاده کنند. بنده از سال ۲۷ تا ۳۱ که در مشهد بود، به‌طور مرتب از جلسات کانون کسب فیض کردم. من حدود ۲۳ سال داشتم که به درس ایشان رفتم و چون حضور دائمی داشتم، کم‌کم رابطه ما به دوستی و رفت و آمد منجر شد. استاد هم به بنده علاقه و لطف داشتند.

*نحوه برخورد مخالفان با ایشان چه بود؟

به نظر من کسی با ایشان مخالف نبود. در جریان ملی شدن صنعت نفت همه طبقات به میدان آمدند و برای اینکه وحدت بین آنها حفظ شود، گروهی به اسم «گروه مؤتلف» درست شد. کلمه مؤتلف را بار اول در آنجا شنیدم. این جمعیت از طلاب، علما، روحانیون، وعاظ، بازاریها، اصناف، طبقات پایین یا متوسط، دانش‌آموزان، فرهنگیان، روشنفکران و اداریها تشکیل شده بود. رهبر گروه اول مرحوم شیخ محمود حلبی، رهبر بازاری‌ها مرحوم عابدزاده، رهبر روشنفکرها، اداریها و فرهنگیها هم مرحوم شریعتی بود.

در واقع این سه نفر در دوران نهضت ملی رهبری این جریان را به عهده داشتند و تمام اعلامیه‌های آن دوران به امضای آنهاست. مرکز مبارزه روحانیون، مدرسه نواب، مرکز مبارزه بازاریها مهدیه در نزدیکی باغ نادری و مرکز مبارزه روشنفکرها و فرهنگیها کانون نشر حقایق بود.

این سه گروه گاهی جلسات خصوصی هم داشتند و گاهی در یکی از میدان‌های مشهد یا صحن حضرت (رضاع) یا در مسجد گوهرشاد تجمع می‌کردند، اما جلسات خصوصی جداگانه هم داشتند که سعی می‌کردم در همه آنها شرکت کنم.

قصدم هم این بود که یک موضوع واحد را از دیدگاه‌های مختلف بشناسم و وجوه قضیه برایم روشن شود.

البته مخالفانی هم وجود داشتند، ولی به دلیل اتحاد و همکاری این سه گروه، هم قدرت عرض اندام نداشتند و هم محیط به آنها اجازه مخالفت نمی‌داد. اغلب افراد متدین و جوانان شرکت در این نهضت را وظیفه دینی خود می‌دانستند.

این اتحاد ادامه داشت و این گروهها با هم اعلامیه می‌دادند، سخنرانی می‌کردند، جلسات مشورتی داشتند و به تبع آنها مردم هم متحد بودند تا وقتی که بین رهبران نهضت در مجلس و بیرون از آن اختلاف افتاد و بعد هم قضیه ۲۸ مرداد ۳۲ پیش آمد. آن اتحاد از بین رفت و این جمعیت پراکنده شدند.

*استاد شریعتی مبارزات خود را چگونه ادامه دادند؟ مخصوصاً با روی دادن واقعه ۲۸ مرداد و حاکم شدن فضای اختناق؟

با دگرگون شدن اوضاع، جلسات کانون همچنان برقرار بود تا وقتی که دولت کانون را تعطیل کرد. مرحوم شریعتی جلساتی خصوصی را در منزل خودشان یا جاهای دیگر برگزار می‌کردند، چون امکان برگزاری جلسات علنی وجود نداشت. در سال ۱۳۳۱ به تهران آمدم و در سال ۳۳ یا ۳۴ بود که یکی از دوستان مشهدی به من گفت استاد هم برای سخنرانی به تهران آمده‌اند. واقعاً خوشحال شدم که بعد از سه چهار سال می‌توانم بار دیگر ایشان را ببینم. جلسه در منزلی در خیابان امیریه تشکیل شده بود و شرکت‌کنندگان هم زیاد نبودند. این اولین سخنرانی ایشان در تهران بود که ادامه یافت و ایشان رسماً وارد مبارزات سیاسی شدند. هر شب که ایشان سخنرانی داشتند می‌رفتم. بعد هم در جاهای دیگر و مساجد سخنرانی کردند که باز هم می‌رفتم. ایشان دائماً بین تهران و مشهد در تردد بودند. ارتباطم با ایشان از سال ۱۳۲۰ شروع شد و تا پایان عمر شریفشان ادامه داشت.

* از حضور استاد در حسینیه ارشاد بگویید؟ شرایط ایشان را پس از حضور در تهران چگونه دیدید؟

ایشان در آنجا هم سخنرانی داشتند و حسینیه ارشاد کتاب‌هایشان را چاپ می‌کرد. منزل ایشان روبه روی حسینیه ارشاد بود. در آنجا هم گاهی خدمت ایشان می‌رسیدم و همواره مرا در کارهای فرهنگی، مخصوصاً کارهایی که در مورد خردسالان شروع کرده

بودم تشویق می کردند. از ایشان تفسیر قرآنی را هم که به خط خودشان است به عنوان یادگاری دارم. ایشان این کتاب را در سال ۴۹ نوشته بودند.

* ارزیابی تان از تفاسیر استاد شریعتی چیست؟

همه کارهای ایشان روی اصول و مبنا بود. افکار و آثار هر اندیشمندی قابل نقد هست، اما قدر مسلم اینکه آثار ایشان در زمان خودش بسیار مفید بودند. استاد چیزی را از خودشان نمی آوردند، بلکه از منابع نقل می کردند. ممکن است انسان گاهی اشتباه کند، اما مهم این است که کل حرکت انسان در زندگی درست باشد. ایشان را مردی مثبت و مفید می دانستم. کسی جز ایشان در مشهد مسائل را به آن شکل مطرح نمی کرد. استاد شریعتی به گردن من زیاد حق دارند و از ایشان در مسائل جدید بسیار آموختم. آشنایی ام با فرهنگ جدید و کتابهای مصریها و فرنگیها بیشتر از طریق ایشان صورت گرفت. همواره به ایشان ارادت داشتم و دارم. خدایشان بیامرزد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۰۶/نقش-محمد-نقش/۲۲۷۰۶>